

بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور - 4 / آذر / 1388

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی شما عزیزان - برادران، خواهران - بسیجیان سرافراز. از لحاظ تاریخی، این روزها روزهای نشاندار و بزرگی است: شهادت امام باقر (علیه السلام) که يك شهادت دارای پیام بود؛ لذا خود امام باقر وصیت کرد که بعد از او تا ده سال در منا به مناسبت این رحلت، یادبود برپا شود. در میان ائمه‌ی ما این بی‌سابقه است، بی‌نظیر است. یاد امام باقر، یعنی یاد سر برآوردن حیات دوباره‌ی جریان اصیل اسلامی در مقابله‌ی با تحریفها و مسخهائی که انجام گرفته بود.

خاطره‌ی دیگر، خاطره‌ی روز عرفه و روز عید قربان است؛ که از روز عید قربان تا روز عید غدیر، در واقع يك مقطعی است متصل و مرتبط با مسئله‌ی امامت. خدای متعال در قرآن یاد میفرماید: «و اذ ابتلى ابراهيم ربه بكلمات فأتمهن قال ائى جاعلك للناس اماما». * * * 1 بقره: 124؛ «و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم ...» * * * ابراهیم از طرف پروردگار منصوب شد به امامت. چرا؟ چون از عهده‌ی امتحانهای دشوار برآمد. مبدأ این را میشود روز عید قربان به حساب آورد، تا روز عید غدیر که روز امامت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه آلاف التحية و الثناء) است. این هم به دنباله‌ی امتحانات سخت بود. امیرالمؤمنین طول حیات مبارکش را با امتحان - امتحانهائی که از آن سرافراز بیرون آمده است - گذرانده؛ از سیزده سالگی یا یازده سالگی و قبول نبوت تا لیلۃ‌المبیت، يك جوان فداکار و فانی در پیغمبر که آماده است جان خود را فدای پیغمبر بکند - عملاً این را در ماجرای هجرت پیغمبر به اثبات میرساند - و بعد هم آن امتحانهای بزرگ در بدر و احد و حنین و خیبر و بقیه‌ی جاها. این منصب والا، دنباله‌ی این امتحانهاست؛ لذا دلها متوجه شده است به اینکه بین عید قربان و عید غدیر يك ارتباط است. بعضی هم این را «دهه‌ی امامت» نامیده‌اند و نام مناسبی است.

هفته‌ی بسیج هم يك مقطع مهم است؛ يك یادبود بزرگ است. خوب، هفته‌های زیادی را اعلام کردند، داریم در طول سال؛ اما این یکی يك امتیازات استثنائی دارد؛ چرا؟ چون خود بسیج يك استثناء است؛ يك حادثه‌ی بی‌نظیر است. اینی که در يك کشور، از يك حقیقت، از يك نظام، مردم با همه‌ی وجود خودشان، با بهترین عناصرشان، با مؤمن‌ترین انسانهایشان دفاع کنند و حد و مرزی در عرصه‌های مختلف جهاد و دفاع نداشته باشند، در جای دیگری من سراغ ندارم؛ لاقلاً در این دنیای نزدیک به زمان خودمان - که دنیای انقلابها و تحولات و نظامهای گوناگون بوده - بنده چنین چیزی را سراغ ندارم؛ این مخصوص انقلاب ماست؛ و این دل‌نورانی امام بزرگوار ما بود که به این حقیقت دست یافت و به الهام الهی و به کمک الهی این را تحقق بخشید و زمینه‌ی عظیم دل‌های منور مردم مؤمن، يك چنین محصولی را به انقلاب داد. بسیج این است.

وقتی با حقیقت معنا به بسیج نگاه شود، بسیج رمز پایداری و ماندگاری و عزت ملی است. جمعی از بهترین و مؤمن‌ترین مردم در هر عرصه‌ای که کشور و نظام به آن احتیاج دارد، بی‌محایا وارد شوند، همه‌ی توان خودشان را کف دست بگیرند، بیاورند توی میدان، اجر و مزدی هم نخواهند، نام و نشانی هم برایشان مطرح نباشد؛ این خیلی چیز مهمی است. ما عادت کرده‌ایم؛ مثل خیلی چیزهای مهمی که انسان به آنها عادت میکند و اهمیت آنها را توجه نمیکند. چنین چیزی در جای دیگری نیست.

خوب، اولین عرصه‌ای که بسیج را به خود جذب کرد، عرصه‌ی دفاع از استقلال کشور و از مرزهای کشور بود. بحث جان بود، بحث کنار گذاشتن همه‌ی لذتهای زندگی بود؛ پیر و جوان هم شناخت؛ همه آمدند: زن‌ها آمدند، مرد‌ها آمدند، نوجوان‌ها آمدند، پیرهای سالخورده آمدند وارد میدان شدند و امتحان دادند. کدام امتحان از این بالاتر؟ آن زمان هم بودند کسانی که حاضر نبودند از جان‌شان یا از مالشان یا از استراحتشان، هیچ مایه‌ای برای کشور و برای انقلاب و برای استقلال کشور بگذارند؛ لیکن يك جمع کثیری از مردم آمدند وسط میدان، همه چیزشان را آوردند وسط میدان

- از جان، از مال، از آسایش، از آبرو - و استقلال و عزت کشور را حفظ کردند.

مطمئن باشید اگر حضور بسیج مستضعفین در هشت سال دفاع مقدس نبود، امروز سرنوشت کشور چیز دیگری بود؛ دشمن مسلط میشد و این حرکت عمومی، این هیجان عمومی، این جوانی که خودش می‌آمد، همه‌ی خانواده‌ی خودش را هم در پشت جبهه در حال و هوای دفاع از انقلاب و دفاع از کشور و دفاع از نظام قرار میداد، پدید نمی‌آمد؛ این خیلی حادثه‌ی عظیمی بود.

بعد از دوران جنگ هم در همه‌ی حوادث، بسیج جلودار بوده است، پیشرو بوده است، خشکن بوده است. اگر بحث اقتدار سیاسی و ایستادگی سیاسی مطرح بوده، این جریان عظیم بسیج مردم در سرتاسر کشور این شعار را تثبیت کردند، به رخ دنیا کشیدند؛ اگر بحث فرهنگی بوده است، اگر بحث سازندگی بوده است، چقدر در سرتاسر این کشور کارهای عظیم به وسیله‌ی نیروهای بسیجی انجام گرفت. حتی در میدانهای علمی - اشاره کردند؛ این بیانات، بیانات خوبی بود - در عرصه‌ی علمی، جوانان مؤمن که خصوصیتشان همین است که مؤمن‌اند، دنبال نام و نشان نیستند، از همه‌ی ظرفیت استفاده میکنند؛ هدف هم آرمانهای نظام اسلامی است. معنای بسیجی این است. جوانهایی با این خصوصیات وارد میدان شدند. امروز افتخارات کشور، ساخته و پرداخته‌ی دست همین انسانهای خدوم و باارزش است. نشناختن این حقائق - یعنی نشناختن معنای بسیج - خود این، ظلم به بسیج است. بعضی تصور کردند بسیج منحصر است در همین تعداد گردانهای بسیجی یا سازمانهای نظامی بسیجی - اینها البته جزو بهترین بسیجی‌ها هستند - اما بسیج فقط این نیست؛ بسیج گسترده است، در همه‌ی عرصه‌ها. شاید صدها برابر یا بیش از صدها برابر آن تعدادی که در قالبهای نظامی هستند، در قالبهای غیر نظامی هستند، در بخشهای مختلف؛ در دانشگاه یک جور، در کارگاه یک جور، در قشرهای مختلف مردم یک جور، در روستاها یک جور، در شهرها یک جور، در میان عشایر یک جور، در حوزه‌های علمیه یک جور. بسیج حضور دارد؛ یک حضور فراگیر و مقتدر و تمام‌نشدنی. بسیج نه به پول وابسته است، نه به عنوان و جاه و جلال وابسته است، نه به دستور از بالا وابسته است. معیار بسیج، بصیرت است و ایمان. ایمان از دل او می‌جوشد، او را به کار وادار میکند؛ بصیرت هم به او تفهیم میکند که چگونه حرکت کند، معیارها را چگونه تشخیص بدهد، راه را چگونه طی کند. این معنای بسیجی است. هیچ تشکل دیگری قابل مقایسه‌ی با مجموعه‌ی بسیج نیست. این شکل سازمان‌یابی بسیجی هم دیگر قابل تکرار نیست، قابل تقلید نیست؛ این مخصوص خود بسیج است، خصوصیت هم متعلق به بسیج است. نشناختن این، ظلم است به بسیج. و وقتی انسان حقیقت بسیج را میداند، آن وقت می‌فهمد سرّ مخالفتها و دشمنی‌ها و عنادهائی که هدایت میشود از طرف دشمنان انقلاب و دشمنان کشور و دشمنان نظام به سوی بسیج؛ علت این دشمنی‌ها را انسان می‌فهمد. قله‌های بلند، بیشتر آماج قرار میگیرند. نشانهای برجسته، زودتر مورد توجه واقع میشوند و آماج دشمنی قرار میگیرند.

دشمنان میدانند که حضور بسیجی، واقعیت بسیج در کشور و در میان ملت ایران چقدر اهمیت دارد؛ لذا همت می‌گذارند بر اینکه این حقیقت مؤثر و کارآمد و نافذ را مورد تهاجم قرار بدهند. البته این مظلومیت است. مظلومیت، مطلقاً به معنای ضعف نیست. قوی‌ترین انسانهای دنیا هم مظلوم واقع شدند. امیرالمؤمنین نیرومندترین انسان دورانهای گوناگون است و مظلوم‌ترین انسانها هم هست. انقلاب ما و نظام جمهوری اسلامی جزو مقتدرترین و نافذترین پدیده‌های دوران معاصر است، اما مظلوم هم هست. شخص امام بزرگوارمان - یک انسان مقتدر و قوی که میتواند دنیا را تکان بدهد و تکان داد - جزو مظلوم‌ترین انسانهای زمان خودش بود. بنابراین مظلومیت منافات ندارد با اقتدار. بسیج مظلوم است، ولی مقتدر است، نافذ است، اثرگذار است؛ این اثرگذاری باقی خواهد ماند و باید این را روزبه‌روز خود عناصر بسیجی و مجموعه‌های بسیجی تقویت و عمیق‌تر کنند. تا بسیج هست، نظام اسلامی و جمهوری اسلامی از سوی دشمنان تهدید نخواهد شد؛ این یک رکن اساسی است. در قضایای مختلف هم بسیج کارآمدی خود را کاملاً نشان داده است.

آنچه مهم است برای مجموعه‌های گوناگون مؤمن - که در همه جای کشور، در همه‌ی قشرها، بدون هیچگونه اختلافی حضور دارند؛ که اسم آنها اسم بسیج است؛ توصیف آنها به بسیج، یک توصیف حقیقی و واقعی است -

این است که مراقبت کنند، آسیب شناسی کنند، نگذارند نقشه های دشمن در آسیب زدن و آفت وارد کردن توفیق پیدا کند ؛ این مهم است. در همه ی حرکت های موفق، دو کار لازم است: يك کار، پیش بینی های راه برای پیشرفت ؛ کار دوم، ملاحظه ی نقصها و آفت زدائی ها و شناخت آسیبها، برای اینکه ضعفها برطرف شود. این هم پیش بینی است ؛ این هم مثل پیش بینی راه پیشرفت، جزو واجبات و فرائض هر حرکت است.

همه این را امروز فهمیده اند و دانسته اند که مواجهه ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه ی دهه ی اول انقلاب نیست. در آن مواجهه، زور آزمائی کردند ؛ شکست خوردند. مواجهه ی سخت بود ؛ ایجاد جنگ بود، کودتا بود. در اول انقلاب کودتا راه انداختند، شکست خوردند ؛ شورهای قومی راه انداختند، سرکوب شدند و شکست خوردند ؛ جنگ تحمیلی را به راه انداختند که هشت سال به طول انجامید، شکست خوردند ؛ پس دنبال این راه ها نخواهند رفت، یعنی احتمالش ضعیف است. البته باید همیشه هشپاری نسبت به همه ی جوانب باشد. اما این، اولویت استکبار در مواجهه ی با نظام اسلامی نیست. اولویت، آن چیزی است که امروز به آن میگویند جنگ نرم ؛ یعنی جنگ به وسیله ی ابزارهای فرهنگی، به وسیله ی نفوذ، به وسیله ی دروغ، به وسیله ی شایعه پراکنی ؛ با ابزارهای پیشرفته ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم.

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در يك جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند ؛ يك بهانه ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند ؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید يك بهانه ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما بایصیرتند. اینجور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد ؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دل های مردم نسبت به یکدیگر ؛ يك بهانه ای مثل بهانه ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دلها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند ؛ بعد در میانه، عناصر دست آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرح های اساسی است. اینجور کاری را دنبال میکنند.

خوب، شما ببینید در يك چنین وضعیتی چه چیزی بیش از همه برای انسان مهم است؟ بصیرت. بنده بارها بر روی بصیرت تکیه میکنم، به خاطر همین. مردم بدانند چه اتفاقی دارد می افتد ؛ ببینند آن دستی را که دارد صحنه گردانی میکند، صحنه را شلوغ میکند تا در خلال شلوغی های مردم، يك عنصر خائنی، يك عنصر دست نشانده و دست آموزی بیاید کاری را که آنها میخواهند، انجام بدهد و نشود او را توی مردم پیدا کرد ؛ این کاری است که دشمن میخواهد انجام بدهد. هر اقدامی که به بصیرت منتهی بشود، بتواند عنصر خائن را، عنصر بدخواه را از آحاد مردم و توده ی مردم جدا کند، او را مشخص کند، این خوب است. هر اقدامی که فضا را مغشوش کند، مشوش کند، انسانها را نسبت به یکدیگر مردد کند، فضای تهمت آلود باشد، مجرم و غیر مجرم در آن مخلوط بشوند، این فضا مضر است، مخالف است. اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از اینگونه عناصر در داخل ملتها دارد ؛ در داخل ملت ما هم اینجور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا میشوند. متن ملت، آحاد مردم، این توده ی عظیم مردمی - از خواص تا عامه ی مردم - اینها را باید از آن عناصر معدود خود فروخته جدا کرد ؛ نباید اشتباه اتفاق بیفتد. من می بینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرفها، فضا آنچنان مغشوش میشود که افراد سردرگم میشوند ؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگان شان، نسبت به مسئولان شان بدبین میشوند ؛ این درست نیست.

حالا بعضی ها - چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون - توصیه پذیر نیستند ؛ آنها از ما توصیه نمیخواهند ؛ معلوم نیست سیاست های بعضی از این دستگاه ها و مطبوعات و رسانه ها را کی معین میکند و کجا معین میشود - نانشان در ایجاد اختلاف است - اما آن کسانی که مصالح کشور را میخواهند، مایلند حقائق را غالب کنند، من توصیه ام به آنها این است که از این اختلافات جزئی و غیر اصولی صرف نظر کنند. شایعه سازی و شایعه پراکنی

درست نیست. انسان می‌بیند صریحاً و علناً به مسئولین کشور - کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند - تهمت میزنند، نسبت به اینها شایعه‌سازی میکنند؛ فرق هم نمیکند، چه رئیس جمهور باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه قضائیه باشد؛ اینها مسئولین کشورند. مسئولین کشور کسانی هستند که زمام يك کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه‌پراکنی کرد؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد شایعه‌پراکنی کند؛ میخواهد دلها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولین بدبین کند.

دیدید شما در اوائل همین حوادث بعد از انتخابات - این فتنه‌ی بعد از انتخابات - اولین کاری که شد، تردیدافکنی در کار مسئولین رسمی کشور بود؛ در کار شورای نگهبان، در کار وزارت کشور. این تردیدافکنی‌ها خیلی مضر است؛ دشمن این را میخواهد. جوانان بسیجی باید ایمان را، بصیرت را، انگیزه را، رعایت موازین و معیارها را، اینها همه را با هم ملاحظه کنند.

از جمله‌ی چیزهای مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد، تنوع عرصه‌های حضور بسیج است. این رویکردی که اخیراً برای بسیج اعلام شد - رویکرد علم، نوآوری علمی، کار فرهنگی - بسیار چیز مبارکی است. خیلی کارها هست که باید انجام بگیرد، که جز با روحیه‌ی بسیجی و با همین ایمان جوشان امکان‌پذیر نیست. مطمئن باشید تا بسیج در این کشور هست، تا این روحیه‌ی صدق و صفا و خدمت‌بی‌مزد و منت در میان مردم ما - بخصوص جوانان ما - وجود دارد، دشمن هیچگونه لطمه‌ای به این انقلاب و به این نظام و به این کشور نخواهد توانست وارد کند. کسانی هم که با اشاره‌ی دشمن، با تشویق دشمن، با لبخند دشمن، با کف زدن دشمن برایشان، میخواهند با این نظام، با این قانون اساسی، با این حرکت عظیم مردمی مواجه کنند، سرشان را دارند به سنگ میزنند؛ سر به دیوار میکوبند، کار بیپوده میکنند. مراقب باشید، مواظب باشید، نمیشود هر کسی را بمجرد يك خطائی یا اشتباهی گفت منافق؛ نمیشود هر کسی را بمجرد اینکه يك کلمه حرفی برخلاف آنچه که من و شما فکر میکنیم، زد، بگوئیم آقا این ضد ولایت فقیه است. در تشخیصها خیلی باید مراقبت کنید. من تأکیدم به شما جوانان عزیز، فرزندان عزیز خود من، جوانان پرشور این کشور در سرتاسر میهن عزیز، همین است. انگیزه‌ها با شدت، با قوت، با ایمان کامل، با امید کامل به آینده حفظ بشود؛ اما در تشخیصها و در مصداقهای مختلف دقت بشود. بی‌دقتی در مصداقها، گاهی اوقات ضررها و لطمات بزرگی خواهد زد.

به خدای متعال توکل کنید و از خدای متعال کمک بخواهید. من دعاگوی شما هستم. ان شاء الله توجهات حضرت بقیة الله (ارواحنا فدا) شامل حال همه‌ی شما و همه‌ی جوانان این کشور و همه‌ی مردم عزیز ما باشد و ان شاء الله ادعیه‌ی زاکیه‌ی آن بزرگوار بتواند ما را در همه‌ی این راه‌ها کمک کند و دستگیر این ملت عزیز باشد. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته